

نجات دهنده از نگاه کودک و نوجوان امروز کیست؟

حداکثر فکر می‌کنند سوپرمن است

الهام اسماعیلی
نویسنده

کتاب «انتظار عروسکی» را دستم گرفتم و شروع به خواندن کردم. تصاویر ساده و رنگ آمیزی ملایمی داشت. عروسک‌ها کنار هم، پشت پنجره یک اتاق ردیف شده بودند و منظره بیرون را تماشا می‌کردند. هر کدام منتظر یک اتفاق بودند، دیدن ماه، وزیدن باد، بارش باران و برف. جز یک خرگوش که انتظار خاصی نداشت و فقط دوست داشت کنار عروسک‌ها منتظر بماند. منظره‌ای که عروسک‌ها به آن خیره شده بودند، عوض شده و در هر صفحه یک تغییری در محوطه بیرون افتاده است. اما هنوز آن اتفاق بزرگ رخ نداده است. آنها منتظر چه چیزی بودند؟ انتظار خرگوش برای چیست؟ می‌خواستم زودتر به پایان داستان برسم.

اگر امروز از یک کودک یا نوجوان «بومی دیجیتال» بپرسیم، منجی یا رهایی بخش این دنیا کیست، چه جوابی خواهیم شنید؟ به احتمال زیاد انواع و اقسام ناجی‌های بشریت را به ما معرفی می‌کند از اسپایدرمن تا هالک، از کاپیتان آمریکا تا تبدیل شوندگان (روبات‌های ماشینی جذاب). کودک بومی دیجیتال اطلاعات و شناختش از مسائل مختلف را متفاوت از روش و سبک ما به‌دست می‌آورد. کودکان ما «ساکتان سرزمین جهان وطنی» هستند که از گوشه و کنار این سرزمین می‌توانند با هم درباره مسائل گوناگون گفت‌وگو کنند. در خلال صحبت آنها، بُعد مسافت و تفاوت فرهنگی اندک خللی در نظرات آنها ایجاد نمی‌کند. در دنیای بازی دیجیتال و «شبکه‌های اجتماعی اختصاصی»[*] که هواداران هر نوعی از رسانه‌ها در آن، کنار هم جمع می‌شوند و درباره جدیدترین اتفاق‌های روز با هم صحبت می‌کنند. ما چطور می‌توانیم آن منجی قدیمی را با مشخصات مربوط به گذشته برای آنها تصویر کنیم. منجی که ما توصیف می‌کنیم از ابرزهای روز خبر ندارد و قرار است بساط آن را هم برهم زند. کودک و نوجوان امروز، با پیامبر و امامان جدیدی از جانب دیزنی و هالیوود آشنا می‌شود. از اواخر سال ۲۰۰۹ که دیزنی، سهام مارول را خرید و آن شرکت زیر مجموعه دیزنی شد، سناریوی دنیای ابرقهرمانی نوشته شد و برای عرصه عمومی خود را آماده کرد. تا قبل از خرید مارول از سوی دیزنی، تنها دو فیلم ابرقهرمانی از دنیای مارول در هالیوود ساخته تأثیرگذار بر دنیای سینما و حتی کودک و نوجوان، تا امروز ۲۸ فیلم از «جهان ابرقهرمان‌ها» به‌اکران عمومی درآمده است و نام ۱۰ فیلم در سایت مارول برای تکمیل آینده این جهان قرار گرفته است. با شروع به ساخت جهان ابرقهرمان‌ها از سوی مارول و دیزنی، شرکت سرگرمی دی‌سی نیز به شخصیت‌های کمیک‌هایش سر و سامان داد و آنها را در جهان دی‌سی مشغول به پیکار در «لیگ عدالت» کرد. رقابت بین این دو شرکت بزرگ ساخت ابرقهرمان‌ها برای جذب کودک و نوجوان و مخاطب جوان عاشق فانتزی سخت در جریان است. نوجوانان با توجه به تلاطم‌های جسمی-روحي و جهان آشفته خودشان به دنبال یک منجی و ابرقهرمان‌اند و این ابرقهرمان‌های مارول، فراانسان‌هایی هستند که مانند نوجوان‌ها

جهان‌وطنی آری، تسلط فرهنگی خیر

قاشق‌زنی یا تریک اور تریت

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

هویت ملی یا جهان‌وطنی؟

با آمدن رسانه‌ها در گذر زمان و ورود آنها به زندگی فردی و اجتماعی افراد، بسیاری از مفاهیم به حاشیه رفت و مفاهیم جدید جایگزین آنها شد. از بین رفتن مرزها، دهکده جهانی، به حاشیه رفتن فرهنگ‌های بومی محلی منطقه‌ای و در مرکز قرار گرفتن فرهنگ مسلط جهانی، همگی قلمرو ارتباطات انسانی و اجتماعی افراد را تغییر داد. رسانه‌ها در این عصر با ارائه الگوها، نمادها و پیام‌های گوناگون و ارائه معرفی ارزش‌ها، جهان‌بینی‌ها و اندیشه‌های مسلط، هویت‌های ملی و محلی را به حاشیه رانده و یک هویت جهانی به افراد ارائه و القا شده است. این مسأله باعث شده که مفاهیمی مانند «وحدت در هویت ملی» و «تمایز هویت‌های ملی از هم»، دچار چالش شود. هویت به معنای آنچه که باعث شناسایی شخصی یا چیزی بشود، عملاً به حاشیه رفت و یک هویت جهانی جایگزین آن شد. بر مبنای این اتفاق عناصر شناختی، ارزشی و احساسی افراد تغییر کرد

و این مسأله باعث شد زندگی‌ها در عین گرفتن شباهت ظاهری به هم، چالش‌های مختلفی را تجربه کند. به حاشیه رفتن هویت ملی به مثابه به حاشیه رانده شدن اهمیت دانش درباره «چه کسی» بودن، «چگونه بودن» و به چه چیزی «تعلق و تعهد» داشتن است. در واقع همه ما مهاجران معنایی و مفهومی از «هویت ملی» به هویت «جهان‌وطنی» هستیم. جهان‌وطنی یعنی کسی که جهان را وطن خود می‌نامد و وابستگی، تعلق و تعهد خود را به تمام جهان می‌داند و یک شهروند جهانی است. این شهروند جهانی در مفاهیم نظریه‌پردازان به این معنا نیست که افراد هویت ملی، محلی و منطقه‌ای خود را فراموش کرده و به سمت یک هویت جهانی بروند؛ اما در عمل تکنولوژی‌های ارتباطی و کارکردی که رسانه‌ها از خود نشان داده و می‌دهند، به حاشیه راندن و حذف هویت ملی و یکدست کردن فرهنگ، ارزش و باور در بعد جهانی است.

فراموشی تعلق‌ها، فراموشی خود

از مهم‌ترین معیارهای شناسایی هویت ملی، «تعلق داشتن و متعلق بودن» به شاخص‌های ارزشی، فرهنگی و ملی است. این مسأله به قدری مهم و ارزشمند است که کمرنگ کردن، به حاشیه بردن و فراموش کردن آن، به نوعی فراموش کردن خود و هویت خود است. تصور اینکه روزی از خواب بیدار شویم و ندانیم که هستیم، به کجا تعلق داریم، زبان‌مان چیست و متعلق به کدام مردم و کشور و خاک هستیم، ترسناک است. تبدیل شدن به یک لوح خالی و نه سفید، همان چیزی است که فرهنگ مسلط جهانی برای گسترش دادن خود و حذف هویت‌های ملی به آن نیاز دارد. یکی از راه‌های تقویت این مفهوم در میان افراد یک جامعه، برگرداندن مراسم و رسوم قدیمی معنا دار ملی به زندگی روزمره افراد و بازسازی

حس تعلق به آنها با تمرکز بر مفاهیم و ارزش‌های موجود در آن رسوم در همین عصر جهانی شده که ثمره‌اش شلوغی ارتباطات و شبکه‌ها و فضای مجازی است. مراسم و جشن‌ها و نمادهای زیبایی مثل «چهارشنبه‌سوری»، «قاشق‌زنی»، «حاجی فیروز و ننه سرما»، «جشن نوروز»، «دید و بازدید عید» همگی برآمده از فرهنگ دیرینه و زیبای ملی کشور ما هستند. در سال‌های اخیر جریان‌های مسلط فرهنگی جهانی، این مراسم و جشن‌های زیبای ملی را در رقابت با مراسم و جشن‌های کشورهای دیگر قرار داده است. این جریان دست به امر اشتباه به چالش کشیدن باور، فرهنگ و نگرش مردم کشورمان درباره ارزش‌گذاری و برجستگی مراسم و جشن‌های کشورهای دیگر نسبت به مراسم و جشن‌های کشورمان زده است.

جریان هیجان در «چهارشنبه‌سوری»

یکی از آیین‌های قدیمی و مراسم زیبای ایرانی که در میان اغلب ایرانی‌ها محبوبیت دارد، مراسم چهارشنبه‌سوری است. چهارشنبه‌سوری با وجود اینکه یک رسم مشخص و واحد است، اما در شهرهای مختلف با تفاوت‌های کمی برگزار می‌شود و آن را به یک فرهنگ بومی-ملی تبدیل می‌کند. جشن چهارشنبه‌سوری در شب آخرین چهارشنبه سال برگزار می‌شود. «سوری» به معنا

استقبال از بهار هستند؛ افراد دیگری هستند که به خاطر فشار اقتصادی، این روزها برایشان تلخ‌تر از همیشه رقم می‌خورد. مراسم قاشق‌زنی که در گذر زمان تغییرات و انحرافات مختلفی داشت، برای کمک به مردم در فشار اقتصادی و کمی یکدست شدن سفره‌های رنگین مردم در روزهای منتهی به نوروز شکل گرفت. پس از مراسم آتش‌بازی و خواندن «زردی من از تو، سرخی تراز من» و اتمام مراسم چهارشنبه‌سوری، زمانی که مردم پای سفره‌ها

سبک زندگی در آینه هویت ملی

یکی از مفاهیمی که به زندگی‌هایمان رنگ و بومی‌دهد، «هویت» و «هویت ملی» است. در واقع، به واسطه مفهوم هویت، «چه کسی» بودن و «چگونه بودن» در زندگی، برایمان روشن می‌شود. «هویت ملی»، «تعلق و تعهد» ما را نسبت به جامعه و کشوری که در آن زندگی می‌کنیم، روشن می‌کند. یکی از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، هویت ملی را اینگونه تعریف کرده است: «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که باعث تمایز جوامع از یکدیگر می‌شود؛ هویت ملی، اصلی‌ترین حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است.» در این تعریف چه کسی بودن، چگونه بودن و تعلق و تعهد هر فرد به کشور و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، روشن می‌شود. ممکن است این به ذهن‌تان برسد که پس فرد دور از وطن مهاجر که در جامعه‌ای دیگر زندگی می‌کند، متعلق به ملیت جامعه جدید است و بر مبنای همان، هویتش تعریف می‌شود. اما باید بگوییم، اگرچه انتخاب «هویتی» هر شخص بر مبنای شناخت و تصمیم خودش است، اما مسأله این است که «خاک، هویت و زبان» مادری، هویت اول و اصلی هر فرد، چیزی انکارنشده‌ای است که در لایه‌های عمیق درونی روح و روان هر فرد نقش بسته و به مکان زندگی فرد، وابسته نیست.

جهان‌وطنی آری، تسلط فرهنگی خیر

نکته‌ای که درباره جهان‌وطنی وجود دارد این است که هویت فراملی داشتن در مغایرت با هویت ملی نیست؛ بلکه در کنار آن قرار دارد. در واقع هویت جهان‌وطنی، کسی است که

«انسان و انسانیت» فارغ از محل، قوم، زبان، نژاد و دین و ارزش‌ها و معیارها، برایش ارزشمند است. این یعنی پذیرفتن و ارزشمند دانستن انسان‌ها فارغ از تعلق آنها به هویت ملی و منطقه‌ای که دارند؛ نه اینکه هویت ملی و منطقه‌ای‌شان از آنها گرفته شود و هویت غالب و مسلط جهانی که متعلق به یک ایدئولوژی و جهان‌بینی است، به آنها القا شود؛ چرا که وجود این هویت واحد غالب و مسلط برآمده از نگاه‌های گروه‌های قدرت، ثروت، فشار در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و لزوماً انسانی، قابل قبول و پذیرفته نیست. اگر این هویت واحد غالب، گرفتن «چه کسی بودن، چگونه بودن، تعلق و تعهد» افراد جوامع مختلف را در بعد هویت ملی، هدف قرار ندهد، می‌تواند قابل قبول باشد؛ در حالی که چیزی که در جریان است؛ یک تسلط فرهنگی غالب برای حذف هویت‌های ملی است که پذیرفتنی نیست. مثال آن فراموشی رسوم قدیمی ایرانی مانند «چهارشنبه‌سوری» و «مراسم قاشق‌زنی» در میزان و کیفیت برگزاری و جایگزینی مراسمی مانند «هالووین» و «تریک اور تریت» است.

جریان حال خوب در «قاشق‌زنی»

مراسم چهارشنبه‌سوری، مراسم دیگری مانند قاشق‌زنی دارد که به فراموشی سپرده شده و بازی با ترقه و وسایل آتش‌زای خطرناک جایگزین آن شده است. به نحوی که هر سال جمعی از جوانان و نوجوانان به دنبال هیجان و شادی، گرفتار آسیب‌ها و جراحات ناشی از این بازی خطرناک می‌شوند. یکی از رسوم چهارشنبه‌سوری، مراسم قاشق‌زنی است. در روزهایی که خانواده‌ها به دنبال خرید خوراک و پوشاک و همچنین زیباسازی خانه‌هایشان برای

نوجوانان با توجه به تلاطم‌های جسمی-روحي و جهان آشفته خودشان به دنبال یک منجی و ابرقهرمان‌های مارول، فراانسان‌هایی هستند که مانند نوجوان‌ها در زندگی عادی، دچار یک شکست شده و با تحمل رنج و گاه تجربه یک اتفاق ساده تبدیل به سوپر قهرمان یا نجات دهنده شده‌اند

نشسته بودند، نیازمندان با پوشش صورت به کوچه‌ها می‌آمدند و با زدن قاشق به کاسه‌های خالی، یا با زدن کلون درهای خانه‌ها از مردم کمک می‌خواستند. هرکس از غذا و شیرینی و میوه و آجیل و پولی که داشت، به این افراد کمک می‌کرد. گاهی پیش می‌آمد که بدون اینکه این افراد خود بدانند، برخی از مردم خیر، آنها را تعقیب کرده و راه خانه‌هایشان را پیدا کرده و اینگونه به‌صورت مخفیانه در طول سال هم به آنها کمک می‌کردند.

